خبر

روایت صبر و امید در نمایش بزرگ میدانی «بازگشت»

نمایش بزرگ میدانی «بازگشت» جدیدترین نمایش میدانی سازمان هنری رسانه‌ای اوج به کارگردانی حسن بزرا و تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی از امروز ۹ آبان کار خود را در بوستان ولایت تهران آغاز می‌کند.

بازگشت، روایتی است از سرانجام راه و انتخابی اشتباه، از آغاز تا پایان راه. روایت آن لحظات از زندگی که ممکن است هرکدام از ما در آن مورد آزمایش روزگار قرار گیریم. این داستان روایت صبر و امید و توکل است در برابر یاس و ناامیدی. سایر عوامل این نمایش عبارتند از تهیه‌کننده: علی اسماعیلی، کارگردان: حسن بزرا، جانشین تهیه و تولید: امیرحسین طهرانی، مجری طرح: داوود طامهری، طراح نور: عباس رحمانی‌پور، طراح صحنه و دکور: مرتضی پورحیدری، طراح صدا: عرفان حسن‌زاده، طراح جلوه‌های ویژه میدانی: یاسر یارمحمدی، مدیر تولید: تورج سلیمانی، مجری صدا: علی بیرنگ، طراح گریم: هاشم جوری. بازگشت تازه‌ترین اثر سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که به همت مؤسسه هنری رسانه‌ای سیمای ققنوس روی صحنه خواهد رفت. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه و رزرو بلیت خود به سامانه NAMATICKET.IR مراجعه کنند. گفتنی است حسن بزرا پیش از این نمایش‌های میدانی روشنی شب تار، جهان بانو، تنهاتر از مسیح، جان‌فدا را در بوستان ولایت اجرا کرده است.

یک گلوگاه تاریخی بررسی کرد

تمدنی غرب و شرق

که می‌تواند فهم ما را از هویت ارتقا دهد مانند سیاست، زیرا هویت ملی به معنایی ترکیب جامعه و سیاست است. نقطه کانونی بین هویت و تمدن و این‌که چه نسبتی می‌توانند با هم برقرارکنند. هویت ایرانی ما ظرفیت و ویژگی خاصی دارد که مانند پشتوانه می‌توان به آن نگاه کرد. از ویژگی‌های این هویت تاریخی و فرهنگی که اساتید محترم هم گفتند استمرار آن است که باعث شکل‌گیری حافظه تاریخی مشترک میان ایرانی‌ها شده، همچنین مهم این است که این هویت با حقیقت نسبتی دارد که همان بحث عدالت‌خواهی ایرانیان است. از این مهم‌تر همانا جنبه منفی بحث هویت ملی یعنی ناسیونالیسم است که به‌نوعی اجنبی‌سازی یا غیریت‌سازی می‌کند و در سخن درباره هویت ایرانیان چندان صدق نمی‌کند.

به‌نظرم نکته مهم در ارتباط با بحث تمدن نوین، پیونددهنده هویت و تمدن است که همان ویژگی هویت فرهنگی ما در طول تاریخ؛ یعنی انعطاف است. آقای زرین‌کوب از تسامح، سخن گفته ولی من با کاربرد کلمه انعطاف به آن اختلاط فرهنگی میان فرهنگ و دین مهاجم اشاره دارم که جامعه ما در مواجهه با موضوعاتی که سلطه‌گرند، خودش را هماهنگ می‌کند و به‌نوعی اختلاط می‌انجامد. مثلا واژگان عربی را وارد فارسی می‌کند اما دیگر عربی نیست و هویت معنایی و کاربرد عربی‌اش را از دست می‌دهد، یعنی تمدن ایرانی بسته نیست، وگرنه هربار شکوفا نمی‌شد. من برای این ویژگی تمدن، اصطلاح ظرفیت را به کار می‌برم. اگر تمدنی محدود و تنگ‌نظر باشد و همه سویه‌نگر نباشد، نمی‌تواند حتی اقوام خودش را پوشش دهد. چه رسد به قوم بیگانه و مهاجم. ایران، اقوام و زبان‌های مختلفی را در بردارد، پس اگر بخواهد ادعای تمدن نوین را داشته باشد، قاعدتا باید بتواند از ظرفیت تمام این اقوام و فرهنگ‌ها با تفاوت‌های‌شان استفاده کند که همان نشان دادن آن ویژگی و بروز دادنش است، یعنی ویژگی انعطاف.

نجفی: تحلیلی خود غربی‌ها مطرح می‌کنند که تحولات اخیر فلسطین و طوفان‌الاقصی نهایتا به انقلاب اسلامی ایران بازمی‌گردد

یکی از مشکلات‌مان در بحث هویت این است که هویت را صرفا به جنبه‌های غیریت‌سازی معطوف داشته‌ایم و به نگاه معرفتی و شناختی در هویت چندان توجه نکرده‌ایم. در بحث هویت ملی همچنین هویت‌های فراملی و محلی مطرح شده به‌خصوص هویت دینی که به یک معنا هویت سیاسی است. باید تمدن نوین بتواند میان این همه هویت که همه ابراز وجود می‌کنند و کنشگرند در چارچوب هویت ملی نسبت برقرار بکند.

سیروس نصرا...زاده:

زبان فارسی راز تمدنی خاورمیانه است

بستر فرهنگی و تمدنی که ایرانیان ایجاد کردند، تاریخی دراز و بلندبالا دارد و باید توجه داشت که به‌طور مشخص، زبان فارسی یعنی زمینه پیوند و هم‌سخنی و تعامل من و شما حاصل رنج و کوشش ایرانیان در طول تاریخ است. به‌ویژه که جغرافیای ایران، دشوار و سخت است و تاریخ ما محصول همین جغرافیاست. ما در معرض یورش‌ها و شکست‌های متعددی بودیم اما ایرانیان توانستند از ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد در آسیای مرکزی (ایران وویج) تمدن «آندرونوو» را در تعاملی مشترک با هندیان پدید بیاورند. ایرانیان از دیگر تمدن‌های بومی آن سامان مانند بلخ و بخد در ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد شیوه نخستین حکومت را الهام گرفتند، سپس در فلات ایران از ایلامی‌ها و دیگر اقوام مانند میان‌رودان نیز مولفه‌هایی برداشتند.

در این میان همه ایران‌شناسان و پژوهشگران اذعان دارند که ویژگی خاص ایرانیان در طول تاریخ این است که مولفه‌های تمدنی و فرهنگی مورد پسندشان را از دیگر اقوام گرفته با کیمیایی خاص خودشان، آن را به عناصری دیگر تبدیل کرده‌اند که دیگر هیچ‌کدام از آن مولفه‌ها و عناصر پیشین نیست و فقط ایرانی است. مثلا هنر هخامنشی ترکیبی از هنر اورارتویی، یونانی، میان‌رودان، ایلامی و... است اما هنر هخامنشی است و چیز دیگری فراتر از پیش است. در قلمرو هخامنشی مثلا قبرس سده پنجم پیش از میلاد را که ببینید هنرشان نزدیک به تخت‌جمشید و برای مخاطب آشناست. یعنی این ویژگی ایرانیان بوده که توانستند یک بستر فرهنگی قدرتمند ایجاد کنند که همواره پیوسته و جاری بوده و تداوم این بستر قطع نشده حتی اگر وقفه داشته است. به‌ویژه وقتی که حکومت تشکیل دادند. به عبارتی وقتی حکومت هخامنشی را تشکیل دادند نخستین حکومت فراگیر جهان بود. پیش از آن جهانی بود که حکومت‌ها محلی و محدود بودند مانند آشوریان و بابلیان یا آتن فقط یک شهر بود و ... . ایرانیان اما در قلمروی بسیار گسترده حکومتی جهانگیر شکل دادند. مخصوصا بر پایه آموزه‌های اوستا ترکیبی از فرهنگ‌های همجوار را گرفتند و توانستند آن را چنان قدرتمند و موثر کنند که در برابر یورش و حکومت یک‌سده‌واندی یونان به ایران بار دیگر اشکانیان به سنت‌های ایرانی بازمی‌گردند و یونانیان محو می‌شوند و البته ساسانیان هم این فرهنگ را قدرتمندتر می‌سازند که نمونه‌اش تاثیر شگفت‌انگیز و خلاقه هنر ساسانی از روم تا چین است.

عناصر فرهنگی ایران و تمدن‌سازی اسلام

در دوران گذار به اسلام همین عناصر فرهنگی‌اند که کمک می‌کنند به احیای دوباره و باززایی ایرانیان. مانند سیستم حکومتی و دیوان‌سالاری و وزیران و جشن‌هایی مانند مهرگان و ... که عنصر ایرانی می‌تواند بر همان اساس دوباره خودش را پیدا کند و در قالب جنبش‌هایی مانند شعوبیه بازیابی شود. در نتیجه هرکجا اسلام به هر منطقه ایران پا می‌گذارد می‌بینید که شکوفا و تمدن‌ساز می‌شود. مثلا نویسندگان را به سطح بالایی فرامی‌برد و ... به‌عنوان‌مثال در سده سوم و چهارم، نهضت ترجمه می‌بینید، مانند دوران خسرو اول، ایرانیان با استفاده از عناصر ترجمه چه شکوفایی خاصی رقم می‌زنند. همچنان که بعدها با همین ترجمه، مدرسه جندی‌شاپور شکوفا می‌شود که مجموعه اینها بستر فرهنگی قدرتمندی را ایجاد می‌کند که همیشه تداوم داشته و دارد و این مولفه پیوستاری و تداوم فرهنگ ایرانی بسیار مهم و ویژه است زیرا در جهان مشابه ندارد یا با این قدرت و ژرفا کم مشابهی دارد. زبان‌های ایرانی را که در نظر بگیریم درمی‌یابیم فارسی باستان با تحول و دگرسانی به فارسی میانه ساسانی تبدیل می‌شود سپس با صیقل خوردن نهایی به فارسی دری می‌انجامد. به دیگر سخن، هم پدر و هم پدربزرگ این زبان فارسی را که با آن در سخنیم، می‌شناسیم و این فرآیند زبانی، هیچ مشابهی ندارد.

فارسی نو که زبان گفتاری تیسفون بوده سپس در شرق ایران و خراسان گسترش پیدا می‌کند و بعدها به کتابت می‌رسد، می‌بینیم که عنصر توانای فرهنگ ایرانیان در ادبیات فارسی است و عناصر فرهنگی ایرانیان از این رهگذر وارد ادبیات می‌شود. زبانی بسیار توانا و ساده بدون استثناهای دستوری و زیبا و صیقل‌خورده با واژگانی اکثرا دوسیلابی و روان! هوشمندی تاریخی ایرانیان در سده‌های دوم و سوم گل می‌کارد یعنی خط عربی را به دبیره یا خط فارسی تبدیل می‌کنند که اگر چنین نمی‌کردند محو یا کمرنگ می‌شدند. با این کار توانستند زبان فارسی را زبان دوم جهان اسلام و زبان فرهنگی قرار دهند. حتی در دوران خلافت عبدالملک که دیوان، عربی می‌شود همچنان بنیان کار و دیوان، ایرانی است.

تقابل با زبان فارسی از سوی استعمارگران

در این بزنگاه درمی‌یابیم چرا این همه تقابل و کوشش برای برانداختن زبان فارسی و گزند به آن (در شرق چین، هند، خراسان‌بزرگ یا افغان امروز و ...) از سوی استعمار شاهد بوده و هستیم. ما را غرب از خودمان بهتر می‌شناسد. واژه دشمنی را با اعتدال البته به کار می‌برم. تقابل ما از هخامنشی ایرانی آغاز شد و انگار همان رویدادها در طول تاریخ تکرار می‌شود. آنها قدرت ایران را کاملا می‌شناختند، به همین دلیل در دو سده اخیر ایران تجزیه و تجزیه شده زیرا می‌دانستند که ایران برای آنها چه خطری دارد. ایران هم‌اکنون هم برای آنان مسأله است. قلمرو زبان فارسی حتی در دوران تسلط ترک‌ها، زبان نخست تمدن از آسیای صغیر تا هند بوده به‌همین دلیل با این زبان به انحای مختلف برخورد می‌کنند تا در هند برمی‌افتد و ... . سخنم این است که همان زمینه‌های برخورد ما با یونان کماکان ادامه دارد و مسائل ما همچنان حل نشده است. پس ما بسیار نیاز به بازشناسی خودمان داریم. باید خیلی کارها بکنیم از رهگذر تصویر و فیلم و ... . نسل جوان ما (در تدریسم می‌بینم) خیلی کم‌اطلاع است. بخشی از هویت ما به هرحال در زبان فارسی متبلور شده و تجلی یافته که باید با کوشش‌مان در این زمینه به‌خصوص کم نگذاریم. متاسفانه پروپاگاندای ما در زمینه شناختی بسیار نارسا و کارنشده و ضعیف بوده برخلاف پروپاگاندای غرب. به همین دلیل آنها توانسته‌اند با وجودی که یونان در مقاطعی تحت تاثیر شدید ایران بوده، مثلا یک مسأله تاریخی مثل ماراتن را که بسیار در تاریخ ایران بی‌اهمیت بوده چونان یک مسأله جهانی به همه نشانش بدهند.

برش

فلسطین و غزه نماد انقلاب اسلامی است

دکتر نجفی: در راستای سخن دکترحسنی‌فر اضافه کنم از ویژگی‌های ایرانیان، انعطاف و ظرفیت بالاست اما این یکی از ابعاد آنها است که در طول تاریخ چند چیز را در ذات خود با هم بروز داده‌اند؛ یکی حق‌پرستی است چون ملت خردگرا و عاقلی هستند، مثلا اسلام که به ایرانیان عرضه شد، دریافتند از دین خودشان بالاتر است. کسی ایرانیان را ناگزیر از پذیرش اسلام نکرد. نکته‌ای که به گواه تاریخ، خیلی خوشایند اعراب نبود، زیرا بیشتر خواستار گرفتن جزیه و کشورگشایی بودند. ایرانیان که قرآن را با اوستا مقایسه کردند، سطح بالاتر قرآن را مگر می‌شد درنیابند!

ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی ایران در فلسطین کنونی

بعدها وقتی امامت را با خلافت مقایسه کردند، متوجه شدند امامت بالاتر است و شیعه شدند. در کنار انعطاف که دکتر حسنی فرگفتند، ایرانیان خرد و عقل هم دارند یعنی تعصب ندارند؛ اتفاقا این نکته را مورخان یونانی درباره ایرانیان می‌گویند مانند هرودوت که ایرانیان اگر درباره چیزی به بهتر و خوبترش برسند، همان را می‌خواهند و داشته خودشان را که پایین‌تر است، کنار می‌گذارند. در کنار این بهینه‌خواهی و بهترگزینی و انعطاف و خرد، همچنین تدبیر و اعتدال دارند که با آن به ترکیب عناصر مختلف فرهنگی و آفرینش فرهنگی مختلف می‌پردازند. ویژگی اعتدال در اسلام و به‌ویژه در مکتب شیعه به اوج رسیده و اصولا ویژگی امامان ما همین اعتدال است. آنها از افراط و تفریط به دورند. یکی از تجلیات خردمندی و اعتدال ایرانیان فلسفه است. ایرانی‌ها اکثر فلاسفه بزرگ‌شان با تشیع حتما یک نسبتی دارند، به همین خاطر توانسته‌اند حکمت را از اندلس از مغرب اسلامی به مشرق اسلامی منتقل کنند که این اصلا کار ساده‌ای نیست. ایرانی‌ها حق‌پرست، و عدالت‌طلب و معنویت‌خواه هستند.

ایران و تهاجم ایدئولوژیک

ایران چهار تهاجم بزرگ، یعنی هلنی، عربی، مغولی‌ترکی و غربی را تجربه کرده که دو تهاجم عربی و غربی ایدئولوژیک است؛ با این تفاوت که ایرانی‌ها دین اسلام را به هسته ذات‌شان راه دادند ولی در برابر تهاجم غربی مقاومت کردند و انقلاب اسلامی همان مقاومتی است که این ذات گرامی در برابر آن پیرامون از خودش نشان داده است. اما با همه کوشش‌های پیشینیان ما هنوز در دوره معاصر نتوانسته‌ایم جایگاه شایسته‌مان را بیابیم. البته برخی از نتوانستن‌ها به نشدن برمی‌گردد و برخی از نتوانستن‌ها به خاطر عظمت کار است. این دو با هم فرق دارد، مثلا فقر یا بی‌سوادی را نتوانسته‌ایم ریشه‌کن کنیم؛ هرچند به نسبت دوران گذشته خیلی وضعیت بهتر است اما فقر یا بی‌سوادی مسأله پیچیده و بزرگی است. کار سختی است، پس برخی نتوانستن‌ها به معنای نشدن یا اراده نداشتن نیست، بلکه کار، عظیم است. از سوی دیگر درنظر بگیریم که ما ایرانی‌ها در دوران معاصر به‌خصوص در نیم سده اخیر خیلی در دنیا دیده شده‌ایم که به‌خاطر گام‌های بزرگی است که در کشورمان برداشته شده و رخدادهای بزرگی که اتفاق افتاده و معمولا خودمان قدرشان را نمی‌دانیم. انقلاب بزرگی که رخ داد در حد انقلاب فرانسه بلکه بالاتر یا انقلاب روسیه که در شماری از ابعاد از آن انقلاب‌های بزرگ هم فراتر است. منتها این انقلاب دارای ظرفیت‌های بالایی است به‌گونه‌ای که هنوز دارد ظرفیت‌هایش را بازنمود کرده و نشان می‌دهد.

تاثیر فرهنگی ایران در طوفان‌الاقصی

تحولات اخیر فلسطین را درنظر بگیریم؛ این تحلیلی است که خود غربی‌ها مطرح می‌کنند در طوفان‌الاقصی و تحولات فلسطین نهایتا ایران است، همان‌طور که اسرائیل را همان آمریکا می‌دانند یعنی پرتاب موشک و زد و خوردها تنها لایه رویی و سطح قضیه است، یعنی این جنگ دیگر ماهیتی دگرسان دارد؛ ماهیتش فرق کرده و فراتر رفته به‌جنگ غرب و شرق به‌شمار می‌رود، همان غرب فرورفته در خودبرتربینی که نماد وحشیانه‌اش اسرائیل است و شرق مقاوم که برتری و سلطه چند سده اخیر استعمار را نمی‌خواهد بپذیرد که نماد کنونی‌اش غزه است. غزه فقط این نیست بلکه نمادی از خود انقلاب اسلامی است که این مقاومت را در شکلی تمدنی و جدید دوباره بازمی‌نمایاند، فقط سطح نازل این رویداد این بُعد زد و خورد کنونی است و هرچند در این درگیری نظامی خودش را آشکار کرده اما ابعاد قضیه بسیار عمیق‌تر و فراتر است. هیچ‌گاه بحث موجودیت اسرائیل حتی زمان عبدالناصر یا جنگ شش روزه مطرح نبود. بحث توازن قوای اعراب و اسرائیل بود و روس‌های کمونیست از ملی‌گراهای عرب حمایت می‌کردند و غربی‌ها - انگلیس و آمریکا - از اسرائیل (قضیه را صرفا بیشتر عربی می‌دانستند) بحث موجودیتی نبود. بر همین اساس که ابعاد تمدنی انقلاب اسلامی که بر بستر هویت ایرانی قرار دارد، آرام‌آرام دارد نمایان و متجلی می‌شود.

فراخوان

هشتمین بازار ملی پویانمایی تهران

فراخوان هشتمین بازار ملی، جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران ۱۴۰۲ از سوی دبیرخانه جشنواره بین‌المللی پویانمایی کانون پرورش فکری منتشر شد. متقاضیان به‌منظور اعلام علاقه‌مندی به شرکت در هشتمین بازار ملی، جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران، لازم است فرم پیش‌ثبت‌نام این جشنواره را تکمیل کنند. بازار ملی، جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران با اهدافی از قبیل حمایت از تولیدات رسانه‌ای و فرهنگی، کمک به چرخه اقتصاد هنر، ایجاد روابط بین تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران و نیز معرفی محصولات نو و خلاقانه حوزه انیمیشن برگزار می‌شود که بستری کاملا تخصصی را در راستای به‌وجود آمدن محیط و فضایی برای تولید انیمیشن در سطح کشوری و بین‌المللی فراهم می‌کند. پیش‌ثبت‌نام از یک آبان ۱۴۰۲ آغاز شده و تکمیل فرآیند ثبت‌نام تا ۱۲ آذر فرصت دارد و ۱۳ دی پایان مهلت ثبت‌نام است. سیزدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران از ۱۳ تا ۱۷ اسفند ۱۴۰۲ در تهران برگزار خواهد شد.

گالری گردی

حمایت هنرمندان تجسمی از کودکان مبتلا به سرطان

پنجمین نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر در حمایت از بیماران مبتلا به سرطان در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. نمایشگاه آثار هنری هنرمندان معاصر با عنوان «مثبت صد» به همت مؤسسه خیریه بهنام دهش‌پور و با مشارکت این مجموعه از روز جمعه دوازدهم آبان در نگارخانه‌های ۱ و ۲ برپا می‌شود. در این نمایشگاه ۷۴ هنرمند آثار خود را در هنرهای نقاشی، عکس، مجسمه‌سازی، سرامیک و... به نمایش گذاشته‌اند و عواید حاصل از فروش را به نفع بیماران مبتلا به سرطان اختصاص می‌دهند. هنرمندانی چون رضا بانگیز، بهزاد شیشه‌گران، عبدالحمید پازوکی، گیزلا وارگاسینایی، بهرام دبیری، فرح اصولی، رضوان صادق‌زاده، عین‌الدین صادق‌زاده، مهدی حسینی، قدرت‌ا... عاقلی، مجتبی رمزی، حمیدرضا فتوحی، سعید محمودی‌ازناوه، امیرحسین حشمتی و... در این نمایشگاه خیریه شرکت کرده‌اند. پنجمین نمایشگاه آثار هنرمندان معاصر در حمایت از بیماران مبتلا به سرطان از ۱۲ تا ۱۹ آبان در فرهنگسرای نیاوران دایر می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در روزهای هفته از ساعت ۱۱ و روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ تا ۱۹ از این رویداد هنری بازدید کنند.

قاب

کاریکاتورهای آمریکای لاتین در ایران

موزه هنرهای معاصر تهران با برپایی نمایشگاه «کارتون و کاریکاتور آمریکای لاتین» از امروز سه‌شنبه نهم آبان درهای خود را روی علاقه‌مندان هنرهای تجسمی باز می‌کند.

در نشست نمایشگاه «کارتون و کاریکاتور آمریکای لاتین» محمد خراسانی‌زاده (مدیرکل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران)، مسعود شجاعی‌طباطبایی (دبیر نمایشگاه) و سیدامیر جاوید (قائم‌مقام حوزه هنری در امور بین‌الملل) حضور خواهند داشت.